

## نشست تخصصی

# ضرورت، الزامات و راهبردهای ناظر به سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی

سفر نکرد، سفری در سطح مقامات ارشد کشور به سوریه انجام نگرفت و همچنین، سفیران قدرتمند برای کشورهای همسایه انتخاب نشد، اما دولت سیزدهم، سیاست همسایگی (دیپلماسی منطقه‌ای) را به صورت جدی از ابتدای آغاز به کار دولت، در دستور کار سیاست خارجی قرارداد و تاکنون نیز اقدامات مناسبی در این زمینه، همچون عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، سفر ریاست جمهوری به قطر و عراق، شرکت رئیس‌جمهور در نشست ترکمنستان، برگزاری نشست سفرای منطقه در ایران، سفر وزیر امور خارجه به سوریه و... انجام شده است.

مدیر بخش غرب آسیا و شمال آفریقای موسسه بین‌المللی ابرار معاصر، به تشریح موانع پیگیری و تحقق اصل دیپلماسی منطقه‌ای پرداخت و بیان کرد، صرف نظر از رویکرد و عملکرد دولت‌های مختلف

نشست «ضرورت، الزامات و راهبردهای ناظر بر سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی، با نگاهی به دکتترین سیاست خارجی دولت سیزدهم و آینده آن»، از سلسله نشست‌های تخصصی «تقابل تمدنی ایران و آمریکا»، از سوی مرکز مطالعات آمریکا پژوهشکده شهید صدر (ره) است که با ارائه سه تن از کارشناسان و صاحب‌نظران این موضوع، به صورت حضوری برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر حسین آجورلو با اشاره به تغییر رویکرد دولت سیزدهم نسبت به دولت دوازدهم، تصریح کرد که دولت دوازدهم، حل مسائل و مشکلات سیاست خارجی کشور را در گروی تعامل با غرب می‌دانست، لذا عمده تمرکز و اقدام آن، در مذاکره با آمریکا و اروپا خلاصه گشت و کم‌توجهی و کم‌تحریکی دیپلماتیکش در سطح منطقه نمایان شد (حتی رئیس‌جمهور دولت دوازدهم به لبنان



و قبایل تأثیرگذار در هریک از کشورهای منطقه و ... .  
در ادامه این نشست، دکتر سعداله زارعی با اشاره به تعیین سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطحی فراتر از سلايق و علايق سياسی دولت‌های مختلف، بیان کرد که همسویی دولت‌ها با سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، می‌تواند موجب تغییر (افزایش یا کاهش) سرعت، سهولت، شتاب و عمق عملیاتی کردن آن سیاست‌ها شود. رئیس مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور، تأکید کرد که سیاست منطقه‌ای جمهوری

نماید که البته نهادهای امنیتی نیز در این نوع از دیپلماسی، باید ایفای نقش کنند و با انجام برخی رفت‌وآمدها، مذاکرات و ... مسیر تعامل رسمی را هموار سازند و ضرورت دارد بسیاری از اقدامات و گفتگوهای پیشینی در تعامل با منطقه، محرمانه و مخفی بماند و پس از به نتیجه رسیدن، اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع صورت گیرد. دکتر آجورلو در پایان بحث خود، الزامات دیگر بهبود دیپلماسی اقتصادی را چنین برشمرد: تولید ایده و ابتکار عمل در سطح تاکتیکی سیاست منطقه‌ای، تقویت دیپلماسی پنهان، مذاکره با سران خاندان

در زمینه سیاست منطقه‌ای، وجود این موانع، سیاست منطقه‌ای فعال را با چالش و آسیب روبرو کرده است که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: تحریم‌های ایران به عنوان یک مانع در همکاری مستمر و بلندمدت منطقه‌ای، ایجاد هزینه برای کشورهای منطقه متمایل به تعامل با ایران توسط دشمن، آشکار شدن بیش از حد سیاست دیپلماسی منطقه‌ای و سوءاستفاده دشمن از گره خوردن لحظه‌ای زندگی روزمره مردم با نتایج تعاملات و مذاکرات هسته‌ای.

دکتر آجورلو تأکید کرد که دشمن تلاش دارد تا با انتشار و گسترش اخبار خاص و جهت‌دار در زمینه سیاست خارجی ایران، زندگی عادی و روزانه مردم کشور ما را به تعامل با غرب و تسلیم در برابر آن، گره بزند و هم‌زمان تعامل با منطقه را برای ایران، بدون فایده یا همراه با ضرر نشان دهد؛ بنابراین، در چنین شرایطی، ایران باید راهبرد دیپلماسی پنهان خود را تقویت



اسلامی، به طور خلاصه بر پایه سه اصل اساسی تبدیل ایران به قدرت اول منطقه، پاک شدن منطقه از سلطه و سیطره غرب و همچنین، تحقق تمدن نوین اسلامی، قرار گرفته است.

دکتر زارعی، در ادامه بحث خود، راهکار متناظر با تحقق هر یک از این سه اصل را تبیین کرد. این کارشناس مسائل منطقه، تشریح کرد که یکی از شاخص‌های مهم برای نفوذ ایران، اقتصاد صادرات محور و رقابت پذیر با اقتصاد جهانی است، لذا ایران، باید بتواند انواع نیازهای غذایی، صنعتی، خدماتی و ... منطقه را به خوبی شناسایی و تأمین کند تا امکان دستیابی به جایگاه شایسته ایران در منطقه، تسهیل و تسریع شود تا ایران از نفوذ بیشتر و بهتری برخوردار شود؛ همچنین، باید با افزایش ظرفیت و توان خودکفایی (خوداتکایی) اقتصادی ایران، وابستگی تأمین نیازهای ایران به واردات جهانی، کاهش یابد یا از بین برود و نیازها ترجیحاً از

طریق تعامل با کشورهای همسایه برطرف شود.

این کارشناس مسائل بین‌الملل، تصریح کرد که ایران تاکنون برای پاک‌سازی منطقه از نفوذ و سیطره غرب، تلاش کرده است و باید با تشکیل یک جبهه مقاومت میان کشورهای منطقه (عراق، سوریه و ...)، مانع حضور و تأثیر غرب در منطقه شود یا از آن بکاهد و در ادامه، باید با تقویت و توسعه این جبهه، نفوذ قطعی خود را بروز و ظهور دهد یا حداقل به دنیا بفهماند و بقبولاند که ایجاد و به ثمر رساندن هر تحولی در منطقه، بدون نظر و خواست ایران، ممکن یا میسر نیست؛ ضمن اینکه ایران

در تعامل با منطقه، باید ضمن تأکید و تمرکز بر منافع اساسی خود و حفظ اساس جبهه مقاومت، تلاش کند تا از منافع نقطه‌ای و موردی نیز بهره‌مند شود.

دکتر زارعی در پایان بحث خود اشاره کرد که تمدن نوین اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی است و قطعاً باید در دیپلماسی منطقه‌ای نیز به آن توجه شود. به همین منظور، توجه به اقتضائات و شرایط منطقه، در مسیر دستیابی به این هدف، نیاز است و باید با نوعی دیپلماسی چالشی پذیرا ماموش‌شوند و با ترکیب دانش‌پذیری و فرصت‌سازی پیش رفت و در همین راستا، باید نحوه تعامل با اهل



منطقه است که زمینه تعامل و دیپلماسی منطقه‌ای را فراهم می‌کند و به هم‌افزایی و شکوفایی کشورها منجر می‌شود.

این کارشناس مسائل منطقه بیان کرد که براساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی، ایران باید تا پایان سال ۱۴۰۴، به قدرت اول منطقه تبدیل شود و به چنین جایگاهی دست یابد که بدین منظور، بر سیاست خارجی مزیت محور با اولویت همسایگان (منطقه)، تأکید شده است؛ یعنی ایران به جای اینکه رفع نیازهای خود را در تعامل با آمریکا و اروپا منحصر کند، باید ظرفیت‌ها و مزیت‌های خود را فعال نماید و به همسایه‌های خویش عرضه کند (مهم‌ترین

جهان پنداشته می‌شود و موفقیت در سیاست خارجی و رفع نیازهای کشور و حل مسائل و مشکلات آن، در تعامل و ارتباط با آمریکا و اروپا، تنزل، تقلیل و انحصار می‌یابد. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تأکید کرد که اندیشه منطقی و صحیح در زمینه سیاست خارجی - که اتفاقاً اروپا نیز از قرن ۱۹ به بعد آن را طرح و تبلیغ کرد- عبارت است از اینکه منافع هر کشور با منطقه پیرامونی آن، پیوند خورده و هر واحد مستقل سیاسی، به تنهایی نمی‌تواند به نقطه مطلوب و بهینه منافع خارجی خود، بدون توجه به منطقه دست یابد، زیرا این وجود اشتراکات هویتی، تاریخی، جغرافیایی و... میان کشورهای

سنت برای پذیرش حاکمیت اسلام و ولایت فقیه، قبولاندن شیوه حاکمیت و حکومت بر اساس انتخابات و مراجعه به آرای مردم، چگونگی احیای سنت پیامبر (ص) و ارزش‌های بنیادین صدر اسلام بدون هرگونه افراط یا تفریط، پذیرش و افزایش تحمل اختلافات میان کشورهای منطقه (به رسمیت شناختن اختلافات در عین مدیریت آن) و همچنین، گسترش ارتباطات افقی در تعاملات و دیپلماسی برادر گونه در منطقه، مورد توجه قرار گیرد.

در پایان این نشست، دکتر محمدصادق کوشکی بیان کرد که نگرش منطقه‌ای به سیاست خارجی در درون کشور ایران، به یک نگرش جدی تبدیل نشده است و هنوز هم فکر و اقدام حاکم و برجسته در صحنه سیاست خارجی ایران، همان اندیشه سیاست خارجی قرن نوزدهم است؛ یعنی اندیشه‌ای که در آن، اروپا و آمریکا در مرکز

مزیت ایران، نیروی انسانی و جوانانی هستند که در بستریک تاریخ، هویت و تمدن ایرانی-اسلامی در طول یک گستره چند هزارساله تمدن ایرانی و پیوندش با تمدن اسلامی، از طریق فرهنگ ناب شیعی و فرهنگ انقلاب اسلامی، تربیت شده‌اند و در ۴۰ سال اخیر، کارآمدی خود را در حوزه‌های گوناگون، از فناوری و تجارت و اقتصاد تا حوزه‌های دفاعی و نظامی، اثبات کرده و به نمایش گذاشته‌اند). دکتر کوشکی، اخذ رویکرد سیاست منطقه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با دیدگاه انقلاب اسلامی و اندیشه دینی نیز سازگار دانست و چنین توضیح داد که کشور ایران در منطقه غرب آسیا، واقع شده است و تمام کشورهای پیرامون آن، به جز ارمنستان-که مرز مشترک کوتاهی با ایران دارد- مسلمان هستند؛ یعنی میان ایران و کشورهای اطراف آن، بستر دینی مشترک وجود دارد و بر اساس نگرش

قرآنی، این کشورها باید به صورت یک امت درآیند و امتی واحد را تشکیل دهند، لذا اشتراکات دینی و مذهبی کشورهای همسایه و پیرامون ایران، تعامل با آن‌ها را در راستای دستیابی به امت و تمدن اسلامی ضروری می‌سازد. دکتر کوشکی در ادامه بحث خود تصریح کرد که بهبود دیپلماسی منطقه‌ای، نیازمند تغییر برخی از مسئولان و مدیران وزارت امور خارجه و همچنین، آموزش عمومی به مسئولان و مردم است تا رویکرد اشتباه ارجحیت تعامل با غرب، اصلاح شود و تعامل با منطقه، در اولویت قرار گیرد. این استاد دانشگاه، تأکید کرد که الگوهای موفق در منطقه نشان می‌دهد که کشورهای دارای بخش خصوصی قوی و فعال، از امکان و توان مانور قدرت بیشتر در منطقه برخوردار هستند و در ایران نیز بخشی از نسل جوان کشور با احصاء نیازمندی‌های منطقه، مظلومان و مستضعفان جهان، برای رفع آن تلاش کرده

و به موفقیت‌هایی (مانند ایجاد نیروگاه برق گازی در عراق، پست‌های انتقال برق در کشور الجزایر و...) دست یافته‌اند، اما نیازمند حمایت بیشتر و جدی از سوی دولت و وزارت امور خارجه هستند تا با افزایش تعامل بخش خصوصی با منطقه-که به نفع طرفین و همچنین کشور ایران (رفع برخی از مسائل و مشکلات اقتصاد ایران، مانند افزایش تولید، اشتغال، ارزش پول ملی و...) خواهد بود- بستر و زمینه تعامل بهتر و نفوذ بیشتر فراهم گردد. بر همین اساس، در صورتی که حمایت لازم از بخش خصوصی فعال در زمینه کشاورزی، صنعت و... صورت گیرد، بازارهای اقتصادی و فرهنگی خوبی برای ایران ایجاد خواهد شد و کشور ما محل رجوع کشورهای همسایه در زمینه طبابت و معالجه، فرهنگی (مانند تمایل افغانستان به کتب و موسیقی ایران) و... قرار خواهد گرفت.